بسم الله الرحمن الرحیم

یک شنبه 19/2/1400-26رمضان 1442-9مه 2021- درس 327و328فقه الاداره –فقه النظارة- نظارت بر برنامه –خاتمه-احکام نظارت – مساله حمل بر صحت در نظارت

***مسالة***-حمل بر صحت ناظر در نظارتش بر عملکرد برنامه چه حکمی دارد؟

***بیان مساله*** :

فقه اللغه

***حمل بر صحت[[1]](#footnote-1)*** : اصل صحت یکی از اصطلاحات [علم اصول](http://wikifeqh.ir/علم_اصول" \o "علم اصول" \t "_blank) است و در دو معنا به کار رفته است؛ یکی اصل صحت به معنای حمل فعل [مؤمن](http://wikifeqh.ir/مؤمن) بر وجه صحیح و جایز، در مقابل قبیح ([حرام](http://wikifeqh.ir/حرام) و ممنوع) و دیگری اصل صحت به معنای حمل فعل دیگران بر وجه تام و کامل، در برابر ناقص. طبق معنای اول، اصل صحت بر پایه [حُسن ظن](http://wikifeqh.ir/حسن_ظن) بناگذاری شده و اصلی اخلاقی شمرده می‌شود و طبق معنای دوم، اصل صحت از [قواعد فقهی](http://wikifeqh.ir/قواعد_فقهی) است که مختص فعل مؤمن نیست، بلکه درباره همه مسلمانان، بلکه کافران نیز در برخی موارد جاری می‌شود.[[2]](#footnote-2)  
[اصل](http://wikifeqh.ir/اصل_(اصول))، در لغت به معنای اساس و بُن شی‌ء است[[3]](#footnote-3)

و در اصطلاح علم اصول در موارد متعددی کاربرد دارد؛ از قبیل: [دلیل حکم](http://wikifeqh.ir/دلیل_حکم)، [قاعده](http://wikifeqh.ir/قاعده) و [طبع اولی شی‌ء](http://wikifeqh.ir/طبع_اولی_شی‌ء) و آنچه برای تشخیص وظیفه عملی یا [حکم ظاهری](http://wikifeqh.ir/حکم_ظاهری) قرار داده می‌شود.[[4]](#footnote-4)

به نظر می‌رسد بازگشت همه این معانی اصطلاحی به معنای لغوی است، زیرا در همه این موارد به نوعی، اساس و مبنای شی‌ء لحاظ شده است.[[5]](#footnote-5)  
[صحّت](http://wikifeqh.ir/صحت_و_فساد) در لغت به معنای سلامتی و تندرستی،[۷][۸]اعتدال[۹]و تمامیّت[۱۰]است و در اصطلاح به تعبیر صاحب [کفایةالاصول](http://wikifeqh.ir/کفایةالاصول)، معنای جدیدی نیافته، بلکه صحّت در مقابل فساد به همان معنای لغوی (تمامیت در برابر عدم تمامیّت) است، ازاین‌رو در [فقه](http://wikifeqh.ir/فقه) و اصول، صحّت به معنای تام الاجزاء و الشرائط است.[[6]](#footnote-6)

**معنای اصطلاحی**اصل صحت» از قواعدی است که در کتب اصولی از آن بحث می‌شود و در موارد مختلفی قابل طرح است. اجمالًا می‌توان گفت اصل صحت به نوع برخورد و قضاوت انسان درباره گفتار و کردار و عقاید دیگران ([مسلمانان](http://wikifeqh.ir/مسلمانان) یا اعم از مسلمانان و غیر مسلمانان) مربوط می‌شود.  
بسیاری از کتب اصولی عرصه‌های مختلف این بحث را یکجا و در قالب یک اصل بحث کرده‌اند؛

ولی برخی بحث اصل صحت را در دو عرصه و با دو برداشت متفاوت و با دو گروه از ادلّه و آثار و احکام به بحث گذاشته‌اند:  
  
۱. اصل صحت به معنای حمل فعل مؤمن بر وجه صحیح و جایز، در مقابل قبیح (حرام و ممنوع) و ۲. اصل صحت به معنای حمل فعل دیگران بر وجه تام و کامل، در برابر ناقص. اصل صحت به معنای دوم مختص فعل مؤمن نیست، بلکه درباره همه مسلمانان، بلکه کافران نیز در برخی موارد جاری می‌شود.[[7]](#footnote-7)

فقه القرآن

**وَ إِذْ أَخَذْنا ميثاقَ بَني‏ إِسْرائيلَ لا تَعْبُدُونَ إِلاَّ اللَّهَ وَ بِالْوالِدَيْنِ إِحْساناً وَ ذِي الْقُرْبى‏ وَ الْيَتامى‏ وَ الْمَساكينِ وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْناً وَ أَقيمُوا الصَّلاةَ وَ آتُوا الزَّكاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلاَّ قَليلاً مِنْكُمْ وَ أَنْتُمْ مُعْرِضُونَ [[8]](#footnote-8)**

***وجه استدلال***: فراز " قولوا للناس حسنا" یعنی در خصوص مردم مطابق حسن و نیکی رای بدهید و ارزیابی کنید [[9]](#footnote-9)

به اطلاق و عموم شامل حسبه ناظر هم میشود که در خصوص عامل برنامه (ناس ) حسن قول وحسن ظن داشته باشد وعیوب کار اور را به نیت خیر وقصد ترمیم کشف نماید

**يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثيراً مِنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَ لا تَجَسَّسُوا وَ لا يَغْتَبْ بَعْضُكُمْ بَعْضاً أَ يُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخيهِ مَيْتاً فَكَرِهْتُمُوهُ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحيمٌ [[10]](#footnote-10)**

***وجه استدلال:*** وجوب اجتناب از سوء ظن (زیرا حسن ظن که وجوب اجتناب ندارد) در این آیه به مومنین من جمله ناظر و حسبه تکلیف شده است که در نظارتش بر برنامه و غیره به عامل برنامه حسن ظئ داشته باشد و مچگیر نباید بلکه دستگیر باشد .

**وَ مِنْهُمُ الَّذينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَ يَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ قُلْ أُذُنُ خَيْرٍ لَكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ يُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنينَ وَ رَحْمَةٌ لِلَّذينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ الَّذينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذابٌ أَليمٌ [[11]](#footnote-11)**

وجه استدلال:پیامبر ص به"اذن خیر" یعنی کسی که خوب گوش میدهد وخوش باور است که کنایه از حسن ظن است که با لزوم تاسی از او که حاکم و مدیر هم بوده است ناظر و حسبه هم باید نسبت عامل برنه در نظارت بر او از چنین حالتی برخوردار باشد و اصل را بر صحت شنیده ها بگذارد و حمل بر صحت نماید طبق این خوش باوری و حسن ظن به تعبیر آیه شریفه " خیر لکم" است و آبروی شما را حفظ میکند چون او به مومنین ایمان دارد (یومن اللمومنین ) و مهربان است (رحمه للذین آمنوا منکم)

فقه الحدیث :

عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَار[[12]](#footnote-12)ِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع فِي كَلَامٍ لَهُ‏ ضَعْ‏ أَمْرَ أَخِيكَ عَلَى أَحْسَنِهِ حَتَّى يَأْتِيَكَ مَا يَغْلِبُكَ مِنْهُ وَ لَا تَظُنَّنَّ بِكَلِمَةٍ خَرَجَتْ مِنْ أَخِيكَ سُوءاً وَ أَنْتَ تَجِدُ لَهَا فِي الْخَيْرِ مَحْمِلًا.[[13]](#footnote-13)

1-سندضعیف است به علت ارسال و اضمار و تعلیق[[14]](#footnote-14)ولی شهرت جابر[[15]](#footnote-15) دارد که بر اساس مضمون آن قاعده فقهیه ترتیب داده و پردازش نموده اند

نکات ذیل از این روایت کلیدی به دست میآید (در جهت استدلال بر مانحن فیه ):

1. حسن ظن اصل است و مغیاة به دقت و تامل تا عیوب کشف شود یا نشود .
2. سوء ظن منهی و منفی است مطلقا
3. "امر اخیک" مفرد محلی به لام است که مفید عموم است و هر امر و شیئی صادره از برادرت را شامل میشود اعم از قول،فعل وتقریر و اعم از فردی گروهی وسازمانی و اجتماعی که باید مورد حسن ظن وحمل بر صحت قرار گیرد (ضع ...علی احسنه ) لذا شامل عمل عامل برنامه هم میشود .
4. "کلمه خرجت من اخیک" اگر به معنی قول او باشد که معنای اخص کلمه است به منزله صغری و مصداق برای عموم "امر اخیک" خواهد بود که در صدر روایت آمده است .و میتواند به معنای عام باشد که شامل فعل صادره از او هم بشود وشاید مستبعد باشد.
5. "ضع امر اخیک علی احسنه" ظاهر در این است که امر صادره از او را بر بهترین شکل ممکن ارزیابی کن یعنی نه تنها نگاه سوء به آن نداشته باش بلکه به نگاه خوب هم اکتفا نکن و بهترین نگاه را داشته باش یعنی نهایت حسن ظن مگر این که احسن را منسلخ از افعل تفضیل نماییم که خلاف ظاهر عبارت روایت است .
6. "ضع امر اخیک علی احسنه" ظهور در حکم وضعی و تکلیفی دارد از این جهت هم عام و مطلق است یعنی حمل برصحت شامل وضعیات و تکلیفیات با هم میشود اگر مرددی که فعل او مباح یا حرام است بگو مباح است بلکه مستحب است (علی احسنه) واگر مرددی که فعل او صحیح یا باطل است بگو صحیح یا اصح است مثلا عقدی ازعقود اگر از او صادر شده بگو صحیح صادر شده و مترتب اثر است و او مالک مثلا ثمن یا مثمن است .و تصرفاتش در آن جایز و مشروع است
7. روایت به عموم و اطلاقش قلمرو فقه و اخلاق را شامل میشود .کما اینکه شامل روابط سازمانی و اجتماعی و خانوادگی وسازمانی و حکومتی و مدیریتی میشود.
8. اگر حمل بر صحت حکم عقل باشد امر و نهی موجود در روایت (ضع و لا تظنن ) ارشادی خواهد بود .
9. رای منفی منصفانه و مشققانه پس از تحقیق به فعل او منافاتی با حمل بر صحت قبل از تحقیق ندارد. کما اینکه منافاتی با یافتن محمل برای تصحیح عمل او قبل و حین تحقیق ندارد .

1. برگرفته از ویکی فقه [↑](#footnote-ref-1)
2. [خوئی، ابوالقاسم، مصباح الاصول، ج۳، ص۳۲۲.](http://lib.eshia.ir/13046/3/322/فنقول" \o "خوئی، ابوالقاسم، مصباح الاصول، ج3، ص322." \t "_blank)     [↑](#footnote-ref-2)
3. [فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، ج۷، ص۱۵۶](http://lib.eshia.ir/20006/7/156/238)[-](http://wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%B5%D9%84_%D8%B5%D8%AD%D8%AA_(%D8%A7%D8%B5%D9%88%D9%84)" \l "foot-main3) [فیومی مقری، احمد بن محمد، المصباح المنیر، ص۱۴، «اصل»](http://lib.eshia.ir/27793/1/14/أسْفَلُه" \o "فیومی مقری، احمد بن محمد، المصباح المنیر، ص14، \«اصل\»." \t "_blank) [↑](#footnote-ref-3)
4. [انصاری، محمدعلی، الموسوعة الفقهیه، ج۳، ص۴۸۱](http://lib.eshia.ir/10193/3/481/اصطلاحا" \o "انصاری، محمدعلی، الموسوعة الفقهیه، ج3، ص481." \t "_blank) [↑](#footnote-ref-4)
5. [انصاری، محمدعلی، الموسوعة الفقهیه، ج۳، ص۴۸۰](http://lib.eshia.ir/10193/3/480/لغة" \o "انصاری، محمدعلی، الموسوعة الفقهیه، ج3، ص480." \t "_blank)-[حکیم، سیدمحمدتقی، الاصول العامه، ص۳۹](http://lib.eshia.ir/13003/1/39/كلمة)

   |  |  |
   | --- | --- |
   |  |  |

   [↑](#footnote-ref-5)
6. |  |
   | --- |
   |  |
   | [ابن‌منظور، محمد بن مکرم، لسان‌ العرب، ج۲، ص۵۰۷.](http://lib.eshia.ir/40707/2/507/صحح" \o "ابن‌منظور، محمد بن مکرم، لسان‌ العرب، ج2، ص507." \t "_blank) | |
   | [جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، ج۱، ص۳۸۱، «صحح».](http://lib.eshia.ir/20002/1/381/خلاف" \o "جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، ج1، ص381، \«صحح\»." \t "_blank) | |
   | [↑](http://wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%B5%D9%84_%D8%B5%D8%AD%D8%AA_(%D8%A7%D8%B5%D9%88%D9%84)" \l "foot-main9) [فیومی مقری، احمد بن محمد، المصباح المنیر، ص۱۷۴، «صحح».](http://lib.eshia.ir/27793/1/174/الْبَدَنِ" \o "فیومی مقری، احمد بن محمد، المصباح المنیر، ص174، \«صحح\»." \t "_blank) | |
   | [↑](http://wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%B5%D9%84_%D8%B5%D8%AD%D8%AA_(%D8%A7%D8%B5%D9%88%D9%84)" \l "foot-main10) [آخوند خراسانی، محمدکاظم بن حسین، کفایة الاصول، ص۱۸۲.](http://lib.eshia.ir/27004/1/182/التمامية" \o "آخوند خراسانی، محمدکاظم بن حسین، کفایة الاصول، ص182." \t "_blank) | |
   | [↑](http://wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%B5%D9%84_%D8%B5%D8%AD%D8%AA_(%D8%A7%D8%B5%D9%88%D9%84)" \l "foot-main11) [آخوند خراسانی، محمدکاظم بن حسین، کفایة الاصول، ص۱۸۲.](http://lib.eshia.ir/27004/1/182/السادس" \o "آخوند خراسانی، محمدکاظم بن حسین، کفایة الاصول، ص182." \t "_blank) | |
   | . | [↑](http://wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%B5%D9%84_%D8%B5%D8%AD%D8%AA_(%D8%A7%D8%B5%D9%88%D9%84)" \l "foot-main12) [انصاری، مرتضی، فرائد الاصول، ج۳، ص۳۴۵.](http://lib.eshia.ir/13056/3/345/المسألة" \o "انصاری، مرتضی، فرائد الاصول، ج3، ص345." \t "_blank) | |

   [↑](#footnote-ref-6)
7. [خوئی، ابوالقاسم، مصباح الاصول، ج۳، ص۳۲۲](http://lib.eshia.ir/13046/3/322/فنقول" \o "خوئی، ابوالقاسم، مصباح الاصول، ج3، ص322." \t "_blank)     [↑](#footnote-ref-7)
8. البقرة : 83

   |  |
   | --- |
   |  |
   |  | |

   [↑](#footnote-ref-8)
9. [انصاری، مرتضی، فرائد الاصول، ج۳، ص۳۴۵](http://lib.eshia.ir/13056/3/345/منها" \o "انصاری، مرتضی، فرائد الاصول، ج3، ص345." \t "_blank)المسألة الثالثة في أصالة الصحة في فعل الغير وهي في الجملة من الأصول المجمع عليها فتوى وعملا [[1]](http://lib.eshia.ir/13056/3/345/%D9%85%D9%86%D9%87%D8%A7" \l "_ftnref1) بين المسلمين، فلا عبرة في موردها بأصالة الفساد المتفق عليها عند الشك [[2]](http://lib.eshia.ir/13056/3/345/%D9%85%D9%86%D9%87%D8%A7" \l "_ftnref2)، إلا أن معرفة مواردها، ومقدار ما يترتب عليها من الآثار، ومعرفة حالها عند مقابلتها لما عدا أصالة الفساد من الأصول، يتوقف على بيان مدركها من الأدلة الأربعة.  
   ولا بد من تقديم ما فيه إشارة إلى هذه القاعدة في الجملة من الكتاب والسنة.  
   أما الكتاب، فمنه آيات:  
   منها: قوله تعالى: \* (قولوا للناس حسنا []](http://lib.eshia.ir/13056/3/345/%D9%85%D9%86%D9%87%D8%A7" \l "_ftnref3)، بناء على تفسيره بما في الكافي، من قوله (عليه السلام): " لا تقولوا إلا خيرا حتى تعلموا ما هو " [[4]](http://lib.eshia.ir/13056/3/345/%D9%85%D9%86%D9%87%D8%A7" \l "_ftnref4)، ولعل مبناه على إرادة الظن والاعتقاد من القول.

   |  |
   | --- |
   | [[1]](http://lib.eshia.ir/13056/3/345/%D9%85%D9%86%D9%87%D8%A7" \l "_ftn1" \o "1) انظر الرياض (الطبعة الحجرية) 2: 591. [[2]](http://lib.eshia.ir/13056/3/345/%D9%85%D9%86%D9%87%D8%A7" \l "_ftn2" \o "2) لم ترد " المتفق عليها عند الشك " في (ر). [[4]](http://lib.eshia.ir/13056/3/345/%D9%85%D9%86%D9%87%D8%A7" \l "_ftn4" \o "4) الكافي 2: 164، باب الاهتمام بأمور المسلمين، الحديث 9.  : درر الفوائد : [الحائري اليزدي، الشيخ عبد الكريم](http://lib.eshia.ir/الحائري_اليزدي،_الشيخ_عبد_الكريم)    جلد : 2  صفحه : 237 |
   | الكلام في أصالة الصحة في فعل الغير و بيان مدركها و قد استدل عليها بالأدلة الأربعة اما الكتاب فمنه آيات منها قوله تعالى و قولوا للناس حسناً و مبنى الاستدلال على ان المراد من القول هو الظن و الاعتقاد و وجه الدلالة على هذا ان التكليف المتعلق بالاعتقاد لكونه امرا غير اختياري راجع إلى ترتيب الأثر فيجب على المكلفين ان يعاملوا مع الناس في أفعالهم معاملة الفعل الصحيح (لا يقال) تحصيل الاعتقاد امر اختياري إذا كانت مقدماته اختيارية (لأنا نقول) نعم قد يكون كذلك و قد يحصل قهراً بل في غالب الأحوال يكون كذلك فلا يمكن جعله موضوعاً للإلزام بنحو الإطلاق و منها قوله تعالى فاجتنبوا كثيراً من الظن ان بعض الظن إثم تقريب الاستدلال ان ظن الخير ليس إثماً قطعاً فالظن الّذي يكون إثما و منهياً عنه هو ظن السوء و النهي عنه راجع في الحقيقة إلى النهي عن ترتيب الأثر السيئ حين الظن به لما مضى من عدم قابلية الظن للإلزام فيجب ترتيب آثار الحسن و الصحة لعدم الواسطة و منها قوله تعالى أوفوا بالعقود بناء على ان الخارج من عمومه ليس الا ما علم فساده لأنه المتيقن. |

   [↑](#footnote-ref-9)
10. الحجرات : 12الحسن بن علي بن شعبة في (تحف العقول) عن النبي صلى الله عليه وآله قال: إذا تطيرت فامض، وإذا ظننت فلا تقض. [[5]](http://lib.eshia.ir/11024/8/263/%D8%AA%D9%82%D8%B6#_ftn5) تحف العقول ص 50 ط 2، وفى ذيله: وإذا حسدت فلا تبغى -[حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج۸، ص۲۶۳](http://lib.eshia.ir/11024/8/263/تقض)     [↑](#footnote-ref-10)
11. **التوبة : 61**  [↑](#footnote-ref-11)
12. ابوعبدالله حسین بن مختار قلانسی کوفی، اهل [کوفه](http://wikifeqh.ir/کوفه) و از موالی [بنی احمس](http://wikifeqh.ir/بنی_احمس)، تیره‌ای از بجیله، و صحابی امام باقر، امام صادق و امام کاظم (علیهم‌السّلام) بود.  
    [شیخ مفید](http://wikifeqh.ir/شیخ_مفید) نامش را در زمره صحابی خاص امام کاظم (علیه‌السّلام)، فردی مورد اعتماد، اهل علم، با ورع و فقیه ذکر کرده است، اما [شیخ طوسی](http://wikifeqh.ir/شیخ_طوسی) وی را واقفی دانستهو به همین‌سبب برخی او را از راویان ضعیف به شمار آورده‌اند[۱۰]گروهی نیز واقفی بودنش را مردود دانسته و بر وثاقت او تاکید کرده‌اند[۱ [↑](#footnote-ref-12)
13. الكافي (ط - الإسلامية) / ج‏2 / 362 / باب التهمة و سوء الظن ..... ص : 361 [↑](#footnote-ref-13)
14. الكافي/2/247: [3] عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع فِي كَلَامٍ لَهُ ضَعْ أَمْرَ أَخِيكَ عَلَى أَحْسَنِهِ...

    الكافي 1/10: [3/1]() عدة من أصحابنا[تعليق‏] عن أحمد بن محمد بن خالد[ضمير] عن أبيه عن من حدثه عن الحسين بن المختار عن أبي عبد الله ع قال قال أمير المؤمنين ع [↑](#footnote-ref-14)
15. شهرت، فراوانی [راوایان](https://wikifeqh.ir/راوایان) یک [حدیث](https://wikifeqh.ir/حدیث)، یا اشتهار یک [فتوا](https://wikifeqh.ir/فتوا) یا رواج یک [عمل](https://wikifeqh.ir/عمل) است. شهرت، در [لغت](https://wikifeqh.ir/لغت) به معنای شایع بودن، رواج داشتن و وضوح می‌آید و در اصطلاح [علمای اصول](https://wikifeqh.ir/اصولیون)، گاهی مراد از آن، فراوانی تعداد راویان یک [حدیث](https://wikifeqh.ir/حدیث) است به اندازه‌ای که به [حد تواتر](https://wikifeqh.ir/حد_تواتر) نرسد، و گاهی مراد از آن، رواج و اشتهار یک [فتوا](https://wikifeqh.ir/فتوا) میان [فقها](https://wikifeqh.ir/فقها) است، در صورتی که به حد [اجماع](https://wikifeqh.ir/اجماع) نرسد.

    از شهرت در [اصول فقه](https://wikifeqh.ir/اصول_فقه)، مبحث [حجت](https://wikifeqh.ir/حجت) سخن رفته است  
    شهرت سه گونه است: [فتوایی](https://wikifeqh.ir/شهرت_فتوایی)؛ [روایی](https://wikifeqh.ir/شهرت_روایی)؛ [عملی](https://wikifeqh.ir/شهرت_عملی)، که توضیح هر یک در جای خود آمده است.

    ۱. [شهرت روایی](https://wikifeqh.ir/شهرت_روایی) يعنى نقل روايت توسط [راویان](https://wikifeqh.ir/راویان) متعدد و بسيار که تعدادشان به حد [تواتر](https://wikifeqh.ir/تواتر) نرسيده است. به چنين روايتى [حدیث مشهور](https://wikifeqh.ir/حدیث_مشهور) گويند. مقابل آن، [حدیث شاذ](https://wikifeqh.ir/حدیث_شاذ) قرار دارد.

    شهرت روايى از اسباب حصول اطمينان به صدور [روایت](https://wikifeqh.ir/روایت) از [معصوم](https://wikifeqh.ir/معصوم) عليه السلام است. از‌اين‌رو، شهرت روايى جبران کننده [ضعف سند](https://wikifeqh.ir/ضعف_سند) ى روايت بوده، آن را در رديف روايت قوى و معتبر قرار مى‌دهد.

    ضمن آنکه از اسباب ترجيح روايت نيز شمرده مى‌شود. بنابراين، در جايى که مضمون دو روايت با يکديگر متعارض است، چنانچه يکى از آن دو، [مشهور](https://wikifeqh.ir/مشهور) و ديگرى [شاذ](https://wikifeqh.ir/شاذ) باشد، روايت مشهور مقدم مى‌شود.

    البته برخى،شهرت روايى را از اسباب ترجيح نشمرده و گفته‌اند: با وجود [روایت](https://wikifeqh.ir/روایت) مشهور، روايت شاذِ مخالف آن از حجيت ساقط است. بنابر اين، تعارضى وجود ندارد تا يکى به سبب شهرت بر ديگرى ترجيح داده شود؛ زيرا قوام تعارض به حجّت بودن دو خبر، صرف نظر از اسباب [ترجیح](https://wikifeqh.ir/ترجیح) است.  
    [شهرت عملی](https://wikifeqh.ir/شهرت_عملی)؛ يعنى [مشهور](https://wikifeqh.ir/مشهور) بودن عمل به روايتى نزد [فقها](https://wikifeqh.ir/فقها) و استناد آنان به آن در مقام فتوا. [۳۴]برخى، مطابقت فتواى مشهور با مفاد روايتى را از اقسام شهرت عملى بر شمرده‌اند؛ هرچند به حسب ظاهر مستند به آن روايت نباشد.   
    نسبت ميان [شهرت عملی](https://wikifeqh.ir/شهرت_عملی) و شهرت روايى عموم و خصوص من وجه است. بنابر اين، ممکن است روايتى به لحاظ [نقل](https://wikifeqh.ir/نقل)، [مشهور](https://wikifeqh.ir/مشهور) باشد؛ ليکن مورد عمل مشهور [فقها](https://wikifeqh.ir/فقها) نباشد. چنان که عکس آن نيز ممکن است. گاهى نيز روايتى هم شهرت روايى دارد و هم شهرت عملى.   
    در شهرت عملى دو بحث وجود دارد: يکى ترجيح روايت به سبب شهرت عملى در مقام [تعارض](https://wikifeqh.ir/تعارض) و ديگرى جبران ضعف [روایت ضعیف](https://wikifeqh.ir/روایت_ضعیف) به شهرت عملى، قطع نظر از تعارض. به تصريح برخى، دليلى بر [ترجیح](https://wikifeqh.ir/ترجیح) [روایت](https://wikifeqh.ir/روایت) به شهرت عملى وجود ندارد، مگر بنابر اين قول که آنچه موجب نزديک‌تر شدن يکى از دو روايت به واقع گردد، از اسباب ترجيح به شمار مى‌آيد. بنابر اين قول، شهرت عملى از اسباب ترجيح روايت خواهد بود

    اما نسبت به بحث دوم، [شهرت عملی](https://wikifeqh.ir/شهرت_عملی)، ضعف سندى روايت را جبران کرده، مصحح عمل به آن است؛ هرچند روايت بر حسب قواعد [رجال](https://wikifeqh.ir/رجال) ى در نهايت ضعف باشد؛ چنان که [اعراض](https://wikifeqh.ir/اعراض) عملى مشهور [فقها](https://wikifeqh.ir/فقها) از روايتى موجب ضعف و سستى آن خواهد شد؛ هرچند آن روايت، مشهور و از نظر سند بسيار قوى و معتبر باشد؛ زيرا اعراض مشهور از آن- به رغم قوت سند- حاکى از وجود خللى در روايت است؛ چنان که در فرض اول، عمل مشهور- به رغم ضعف سند- بيانگر عدم خلل و قوّت آن است.   
    برخى، عمل مشهور به روايت ضعيف را جبران کننده ضعف سندى آن، و اعراض آنان از روايت صحيح و قوى را موجب سستى و خلل در آن ندانسته‌اند.   
    البته ترجيح روايت به شهرت عملى بنابر قول به آن و نيز جبران ضعف سند به عمل [مشهور](https://wikifeqh.ir/مشهور)، مشروط به اين است که عمل به روايت، مشهور نزد قدماى اصحاب باشد که به عصر حضور [معصوم](https://wikifeqh.ir/معصوم) عليه السّلام نزديک اند و شهرت ميان متأخران کفايت نمى‌کند.

    ۳. [شهرت فتوایی](https://wikifeqh.ir/شهرت_فتوایی)؛ يعنى مشهور بودن رأى و نظرى نزد [فقها](https://wikifeqh.ir/فقها)، بدون آنکه مستند به روايتى باشد؛ خواه در آن زمينه روايتى نباشد، يا باشد، ليکن مخالف فتواى مشهور باشد و يا موافق باشد، اما مشهور به آن استناد نکرده باشند و يا استناد بدان براى ما محرز نباشد؛ زيرا در فرض علم به اينکه مستند آنان روايت است، شهرت، عملى خواهد بود نه فتوايى.  
    برخى، مطابقت فتواى مشهور با روايت موجود را از مصاديق شهرت عملى بر شمرده‌اند، نه شهرت فتوايى؛ هر چند بر حسب ظاهر، آن روايت مستند فتواى مشهور نباشد؛ همان گونه که گذشت

    در اينکه [شهرت فتوایی](https://wikifeqh.ir/شهرت_فتوایی)، معتبر و [حجت](https://wikifeqh.ir/حجت) است يا نه، اصوليان اختلاف نظر دارند. منشأ اختلاف اين است که آيا [ظن](https://wikifeqh.ir/ظن) حاصل از آن، از ظنون خاص و معتبر است يا نه. بسيارى از آنان [ظن](https://wikifeqh.ir/ظن) حاصل از شهرت فتوايى را معتبر و [حجت](https://wikifeqh.ir/حجت) ندانسته و ادله حجيت آن را مخدوش دانسته ‌اند.

    **جابر بودن شهرت فتوايي** آيا شهرت فتوايى جبران کننده ضعف [سند](https://wikifeqh.ir/سند) [روایت](https://wikifeqh.ir/روایت) است؟ برخى، شهرت فتوايى ميان قدما را همچون شهرت عملى، جبران کننده ضعف سند روايت موافق با فتوا دانسته‌ اند.

    برخى ديگر، [شهرت فتوایی](https://wikifeqh.ir/شهرت_فتوایی) ميان قدما را تنها موجب سستى و ضعف روايت مخالف آن دانسته‌اند، نه جبران کننده ضعف روايت ضعيفِ موافق [فتوا](https://wikifeqh.ir/فتوا). البته اين اختلاف مبتنى بر اين فرض است که شهرت فتوايى با وجود روايتى موافق آن، از مصاديق شهرت عملى شمرده نشود.

    مخالفت با مشهور: هرچند مشهور [فقها](https://wikifeqh.ir/فقها) ظن حاصل از شهرت فتوايى را [حجت](https://wikifeqh.ir/حجت) نمى‌دانند، ليکن بسيارى از آنان در مقام عمل از مخالفت با [مشهور](https://wikifeqh.ir/مشهور) خوددارى ورزيده و کوشيده‌اند تا مستندى براى نظر مشهور بيابند؛ هرچند دليل مخالف مشهور اقوى‌ باشد؛ بويژه در جايى که قول مشهور موافق [احتیاط](https://wikifeqh.ir/احتیاط) باشد. [↑](#footnote-ref-15)